

پائولو کوئلیو و علل گسترش آثار او در ایران

محمدرضا انواری*

چکیده

پائولو کوئلیو رمان‌نویس برزیلی است که افکارش به عنوان یکی از عرفان‌های نوظهور مطرح گردیده. آثار او از پرخواننده‌ترین کتاب‌های دو دهه اخیر در سطح جهان بوده است. کتاب معروف او کیمیاگر در سال ۱۳۷۶ پرفروش‌ترین کتاب در ایران گردید. او در سال ۱۳۷۹ به دعوت مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها به ایران سفر کرد. این مقاله در پی آن است که با روش اسنادی و توصیفی - تحلیلی علت گسترش آثار وی را در ایران بررسی نماید. همچنین مبانی فکری، نحوه ورود آثار او به ایران، کارگزاران او، شیوه‌های تبلیغی او برای جذب مخاطب و سرعت نشر آثار او در ایران را واکاوی کند.

برخی از نتایج به دست آمده عبارت است از اینکه در ایران، آثار کوئلیو اولین بار در سال ۱۳۷۴ ترجمه شد و پس از آن قریب ۲۸ ناشر آثار او را وارد بازار کتاب کردند. سفر ده روزه کوئلیو به ایران، در فروش آثارش تأثیر بسزایی داشت. ارتباط گسترده او با خوانندگان از طریق فضای مجازی و قرار دادن رایگان کتاب‌هایش در اینترنت نیز از ابزارهای تبلیغی دیگر اوست. سرعت نشر آثار او در ایران بسیار بالا ارزیابی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پائولو کوئلیو، عرفان، جنبش، حجازی، کیمیاگر.

مقدمه

بسیاری از اندیشه‌های لیبرالیستی و ضددینی خود را به صورت نامرئی و پنهان به خوانندگان منتقل نماید.^(۱) آمریکا امروزه به جای راهبرد جنگ فیزیکی، «جنگ نرم» را برای گسترش سیطره نفوذ خود انتخاب نموده است. تلاش در الگو معرفی کردن اندیشمندان سکولار برای کشورهای هدف، یکی از مهم‌ترین ابزارها در این زمینه است. از این‌روست که عرفان پائولو کوئلیو نیز از سوی ادبیات استعمار نو حمایت می‌شود؛ چراکه عرفان او یک سلوک شخصی و مروج پلورالیسم، نسبت‌گرایی و مدارا با ظلم است. افکار و آموزه‌هایی که از سوی عرفان‌های نوظهور، به‌ویژه در دهه اخیر، در کشور شیوع پیدا کرده آسیب‌هایی جدی متوجه عقاید نسل جوان کرده است که سیاست‌گذاری برای مقابله با آنها را ضروری می‌نماید. اما برای سیاست‌گذاری، پیش از این هر چیز باید شناخت صحیح و دقیقی از هریک از این عرفان‌ها پیدا کنیم تا متناسب با این شناخت، راه‌های برخورد با آنها تدوین شود. چه بسا عدم شناخت دقیق ماهیت هر کدام و همچنین میزان نفوذ آنها در نقاط گوناگون کشور، چگونگی گسترش، و شیوه‌های تبلیغی سبب شود تا سیاست‌های مقابله‌ما به جای تضعیف، به تقویت آنها منجر شود.

اما در رابطه با پائولو کوئلیو، آثاری به رشته تحریر درآمده که عمدتاً معطوف به توصیف و نقد افکار باطل اوست که می‌توان به کتاب‌های *آفتاب و سایه‌ها* و *نگرشی بر آراء و اندیشه‌های پائولو کوئلیو* نوشته محمدتقی‌فعالی اشاره کرد که اولی به صورت مختصر و دومی مفصل‌تر به این مطلب پرداخته است. همچنین مقاله‌های «نقد و بررسی دین از نگاه

از میان قالب‌های ادبی در ادبیات منشور، می‌توان گفت: قالب «داستان کوتاه»، «داستان بلند» و «رمان» از جمله بهترین قالب‌ها برای انتقال مفاهیم ارزشی، اعتقادی و دینی و از اثرگذارترین آنهاست. گذشتگان ما به این حوزه توجه ویژه داشتند. داستان‌های کوتاه *مثنوی معنوی*، *گلستان سعدی*، داستان‌هایی که در کتاب‌های حدیثی و اخلاقی مورد توجه بزرگان بوده، و *داستان راستان شهید مطهری*، همگی از جمله داستان‌های کوتاهی هستند که هنوز هم طراوت و تازگی خود را حفظ کرده‌اند. با وجود کارهای خوبی که صورت گرفته، محصولات ما در مقایسه با رمان‌های ترجمه‌ای ناچیز است، اگرچه تعداد قابل توجهی از آثار داخلی نیز توسط افراد شوق‌زده یا غرب‌زده نگاشته شده است. هرچند امروزه تعداد مخاطبان رمان و به‌طور کلی، کتاب نسبت به مخاطبان رسانه‌های صوتی و تصویری ناچیز است، اما نقش اجتماعی و فرهنگی رمان‌ها را نباید نادیده گرفت، علاوه بر اینکه بسیاری از برنامه‌های صوتی و تصویری بر اساس کتاب‌ها و رمان‌ها تدوین و تولید می‌شود. نکته حایز اهمیت این است که در حال حاضر، خوانندگان کتاب‌های رمان و داستان در رتبه اول بعد از کتاب‌های درسی و کمک‌درسی قرار دارند. جذابیت و اثرگذاری این عرصه موجب شده است که حتی برخی از ادیبان و معنویت‌های نوظهور اندیشه‌های خود را در قالب رمان و داستان عرضه کنند. برای نمونه، می‌توان به آثار پائولو کوئلیو اشاره کرد که تقریباً تمام آثارش در قالب رمان و داستان‌های کوتاه و بلند عرضه شده و توانسته است مخاطبان فراوانی در دنیا و به‌ویژه در کشور ما جذب کند و

نویسندگی را در او از بین ببرند. فشار آنها و بعد آشنایی وی با کتاب *مدار رأس السرطان* اثر هنری میلر، روح طغیان را در او برانگیخت و باعث روی آوردن او به شکستن قواعد خانوادگی شد. پدرش رفتار او را ناشی از بحران روانی دانست و به همین دلیل تا هفده سالگی، دوبار در بیمارستان روانی بستری شد و بارها تحت درمان الکتروشوک قرار گرفت. اما هر بار از آنجا فرار کرد. پس از خلاصی از بیمارستان، به یک گروه نمایش پیوست. از نظر طبقه متوسط آن دوران، نمایش سرچشمه فساد اخلاقی بود؛ زیرا همچنان که خود کوئلیو می‌گوید، در محیط نمایش، افراد همجنس‌باز زیاد بودند.^(۵) در پی آن، پدر کوئلیو او را برای بار سوم در بیمارستان روانی بستری کرد. وقتی کوئلیو از بیمارستان روانی بیرون آمد، برای مدتی در بحران روحی فرورفته بود. سی سال بعد، کوئلیو رمان *ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد* را در سال ۱۹۹۸ منتشر کرد که بیانگر تجارب شخصی او در این خصوص بود. در دهه ۱۹۶۰ به جنبش هیپی‌گری که در سراسر جهان گسترده بود، پیوست. پائولو، که به گفته خودش آدمی افراطی است و هیچ‌وقت میانه‌رو نبوده، در آن دوران هر کاری را که ممنوع بود، انجام می‌داد. در همین زمان‌ها بود که با تمام وجود، به سکس و مواد مخدر روی آورد. به گفته خودش، مواد مخدر را از حدود سن ۲۰ سالگی آغاز کرد و علت روی آوردنش به مواد مخدر را عصیان و سرکشی می‌داند. او در این باره می‌گوید: مواد مخدر ممنوع بود و هر چه ممنوع بود مرا به خود جذب می‌کرد، و این برای من و جوانان نسل ۱۹۶۸ نوعی اعتراض و مخالفت با پدر و مادر بود. ما از راه‌های مختلف اعتراض می‌کردیم و یکی از این

پائولو کوئلیو^(۲) و «نقد و مبانی خداشناسی و انسان‌شناختی پائولو کوئلیو»^(۳) به چاپ رسیده که اولی دیدگاه‌های دین‌شناختی و دومی مبانی خداشناختی و انسان‌شناختی کوئلیو را به نقد کشیده که البته به نسبت دو کتاب اول منظم‌تر و دسته‌بندی شده‌تر است. اما در تحقیقات گذشته، کمبودی احساس می‌شود و آن نگاه جریان‌شناسانه به آثار کوئلیو است. این مقاله این نگاه را دنبال می‌کند و تلاش دارد تا با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال باشد که علت گسترش آثار کوئلیو در ایران چه بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال اصلی، به دنبال پاسخ به برخی سؤالات فرعی است؛ از جمله: کارگزاران و حامیان کوئلیو چه افرادی بوده‌اند؟ کدام شیوه‌های تبلیغی موجب گسترش آثار کوئلیو گردیده است؟ سرعت نشر آثار کوئلیو در ایران چگونه بوده است؟ آیا مطالبی که در آثار کوئلیو وجود دارد با مبانی دینی ما در تعارض است؟

پائولو کوئلیو کیست؟

پائولو کوئلیو (کوئیلو)^(۴) در ۲۴ اوت سال ۱۹۴۷ در کشور برزیل به دنیا آمد. در سن هفت سالگی به دبستان مذهبی عیسوی‌ها در ریودوژانیو وارد شد. تعلیمات سخت و خشک مذهبی تأثیر بدی بر کوئلیو گذاشت. به گفته خودش بر اثر تحمیل باورهای خاصی درباره خداوند و امور مذهبی به تدریج، ایمان مذهبی خود را از دست داد. اما این دوران تأثیر مثبتی هم بر او داشت و آرزوی زندگی‌اش را در همان مدرسه یافت؛ می‌خواست نویسنده شود.

اما والدین پائولو می‌خواستند مهندس یا حقوق‌دان شود. به همین دلیل، سعی کردند شوق

راه‌ها اعتیاد بود.^(۶) به گفته خودش، او در استفاده از مواد مخدر، خیلی افراط کرده بود، به گونه‌ای که ابتدا کوکائین و سپس مواد روان‌گردان، توهم‌زا، ال.اس.دی. پیوتی، مسکالین و ماری جوانا و برخی دیگر از مواد افیونی را مصرف می‌کرد. بعدها قوی‌ترها را کنار گذاشت و فقط کوکائین و ماری جوانا را نگه داشت تا اینکه به تدریج و در سال ۱۹۸۲ همه را ترک کرد.^(۷) امروز فقط به سیگار و مشروبات الکلی معتاد است.

پس از مدتی، او همراه با یکی از خوانندگان مشهور برزیل به نام رائول سیکزاس اقدام به چاپ مجموعه داستان‌های طنز سکسی به نام کرینگ-ها (Kring-ha) کردند. آنها خلق این آثار را شیوه‌ای برای رسیدن به آزادی انسان‌ها قلمداد کردند. حکومت وقت کتاب‌های مزبور را مضر دانست و آنها را به زندان انداخت. رائول خیلی زود آزاد شد، اما کوئلیو برای مدتی طولانی در زندان ماند؛ چراکه او را به عنوان مغز متفکری شناختند که داستان‌های طنز سکسی را خلق کرده بود. در مجموع، کوئلیو ۳ بار بیمارستان روانی و ۳ بار زندان را تجربه کرد، اما تجربه زندان برای او خیلی دردناک و تحقیرآمیز است.^(۸)

در همین زمان‌ها بود که کوئلیو به جادو روی آورد و حتی به اتفاق همسرش نزد کورولی رفت؛ شخصیتی جادویی و از رهبران شیطان‌پرستی که او را شریک‌ترین و هرزه‌ترین مرد جهان می‌نامند. کوئلیو به اتفاق رائول وارد یک انجمن سرّی شد که نامش را فاش نکرده است، اما خودش می‌گوید:

آزادی جنسی کامل، آزادی اندیشه کامل، هر جور آزادی، حتی آزادی ظلم کردن. در قیاس با آنچه در آنجا انجام می‌شد، آیین‌های شیطان‌پرستانه، که من خیلی خوب می‌شناختم، هیچ بود. این کارها خیلی خطرناک بود، خطرناک‌تر از کلیسای شیطان‌پرستان. آن وقت من و رائول تصمیم گرفتیم که کار هنری خود را در خدمت این انجمن سرّی بگذاریم. در ورای کلمات ترانه‌ها، باورهای اساسی این فرقه را می‌گنجاندیم؛ کاملاً تکنیکی و دقیق.^(۹)

کوئلیو در مسیر شهرت

در سال ۱۹۸۸ کوئلیو رمان کیمیاگر را خلق کرد. این کتاب کاملاً نمادین بود و تمام مطالعات یازده‌ساله پائولو را درباره کیمیاگری، در قالب داستانی استعاری - که اساس آن داستانی از دفتر ششم مثنوی است - خلاصه می‌کرد، اما در ابتدا چندان مورد توجه قرار نگرفت.

در سال ۱۹۹۰، کتاب بریدا را منتشر کرد که در آن، درباره عطایای هر انسان صحبت می‌کرد. این کتاب با استقبال زیادی مواجه شد و موجب شد کیمیاگر دوباره مورد توجه قرار گیرد. کیمیاگر رکورد فروش تمام کتاب‌های تاریخ نشر برزیل را شکست و حتی نامش در کتاب رکورد‌های «گینس» نیز ثبت شد. در ماه مه ۱۹۹۳، انتشارات «هارپر کالینز»، کیمیاگر را با شماره‌گان اولیه ۵۰۰۰۰ نسخه منتشر کرد. ده سال بعد، در سال ۲۰۰۲ مدیر اجرایی «هارپر کالینز» به پائولو نوشت: کیمیاگر به یکی از مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ نشر ما تبدیل شده است.

موفقیت کیمیاگر در ایالات متحده، آغاز فعالیت بین‌المللی پائولو بود. تهیه‌کنندگان متعددی از

در آن انجمن شیطانی، آزادی کامل حکم‌فرما بود، هیچ قانونی وجود نداشت. تو می‌توانستی موجود وحشتناکی باشی یا یک آدم بسیار دوست‌داشتنی.

فرهنگ فرانسه، دریافت کرد. پائولو در سال ۱۹۹۶، به عنوان مشاور ویژه برنامه «همگرایی روحانی و گفت‌وگوی بین فرهنگ‌ها» برگزیده شد. همان سال، کیمیاگر در آلمان منتشر شد. نسخه نفیس آن شش سال تمام در فهرست کتاب‌های پرفروش نشریه اشپیگل قرار داشت و در سال ۲۰۰۲، تمام رکوردهای فروش آلمان را شکست. در مارس ۱۹۹۸، نمایشگاه بزرگی در پاریس برگزار شد که پائولو هفت ساعت تمام مشغول امضا کردن کتاب‌هایش بود. در ماه مارس سال ۱۹۹۹، نشریه ادبی لیر، پائولو کوئلیو را دومین نویسنده پرفروش جهان، در سال ۱۹۹۸ اعلام کرد. در سال ۱۹۹۹، او جایزه معتبر «کریستال» را از «انجمن جهانی اقتصاد» دریافت کرد و داوران اعلام کردند: «پائولو کوئلیو، با استفاده از کلام، پیوندی میان فرهنگ‌های متفاوت برقرار کرده که او را سزاوار این جایزه می‌سازد.» همان سال با کتاب *ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد* در نمایشگاه کتاب بوئنوس آیرس شرکت کرد. رسانه‌ها شگفت‌زده شدند. در میان آن همه نویسندگان برجسته آمریکای لاتین، استقبالی که از پائولو کوئلیو شد، بی‌نظیر بود. مطبوعات نوشتند: «مسئولانی که از ۲۵ سال پیش در این نمایشگاه کتاب کار می‌کرده‌اند، ادعا می‌کنند که هرگز چنین استقبالی ندیده‌اند.» مردم از چهار ساعت پیش از شروع مراسم، پشت درهای نمایشگاه تجمع کردند و مسئولان نمایشگاه اجازه دادند که آن روز، نمایشگاه استثنائاً چهار ساعت دیرتر تعطیل شود. در ماه سپتامبر ۱۹۹۹ پس از سفرهای طولانی به اقصانقاط جهان، کوئلیو از کشور اسرائیل دیدن کرد.

«هالیوود» علاقه زیادی به خرید امتیاز ساخت فیلم از روی این کتاب نشان دادند و سرانجام، شرکت «برادران وارنر» در سال ۱۹۹۳، این امتیاز را خرید. در سپتامبر سال ۱۹۹۳، کیمیاگر در صدر کتاب‌های پرفروش استرالیا قرار گرفت.

در آوریل سال ۱۹۹۴، کیمیاگر در فرانسه منتشر شد و با استقبال عالی منتقدان و خوانندگان مواجه گردید و در فهرست پرفروش‌ها قرار گرفت. کمی بعد، این کتاب پرفروش‌ترین کتاب فرانسه شد و تا پنج سال بعد، جای خود را به کتاب دیگری نداد. پس از موفقیت خارق‌العاده در فرانسه، کوئلیو راه موفقیت را در سراسر اروپا پیمود و پدیده ادبی پایان قرن بیستم دانسته شد. از آن هنگام، هریک از کتاب‌های پائولو کوئلیو، که در فرانسه منتشر شده، بی‌درنگ پرفروش شده است. حتی در یک دوره، سه کتاب کوئلیو همزمان در فهرست ده کتاب پرفروش فرانسه قرار داشت.

انتشارکنار رود پیدرا نشستم و گریستم در سال ۱۹۹۴، موفقیت بین‌المللی پائولو را تثبیت کرد. در این کتاب، پائولو درباره بخش مادینه وجودش صحبت کرده است.

در سال ۱۹۹۵، کیمیاگر در ایتالیا منتشر شد و فروش بی‌نظیری داشت. سال بعد، پائولو دو جایزه مهم ادبی ایتالیا را دریافت کرد.

در سال ۱۹۹۶، انتشارات «ابزتیوا»ی برزیل، حق امتیاز کتاب *کوه پنجم* را خرید و یک میلیون دلار پیش‌پرداخت کرد. این رقم بالاترین مبلغ پیش‌پرداختی است که تاکنون به یک نویسنده برزیلی پرداخت شده است. همان سال، پائولو نشان «شوالیه هنر و ادب» را از دست فیلیپ دوس بلازی، وزیر

در همان سال، رمان شیطان و دوشیزه پریم، همزمان در ایتالیا، پرتغال، برزیل و ایران منتشر شد و در سال ۲۰۰۱ در بسیاری از کشورهای جهان منتشر گردید و در سی کشور در صدر کتاب‌های پر فروش قرار گرفت. در سال ۲۰۰۱ پائولو جایزه «بامبی»، یکی از معتبرترین و قدیمی‌ترین جوایز ادبی آلمان، را دریافت کرد.^(۱۰)

در سال ۲۰۰۲ پائولو به عضویت فرهنگستان ادب برزیل انتخاب شد. دو روز پس از اعلام این انتخاب، پائولو سه هزار نامه تبریک از سوی خوانندگان کتاب‌هایش دریافت کرد و مورد توجه تمام مطبوعات کشور قرار گرفت. هرچند میلیون‌ها خواننده شیفته پائولو هستند، اما او همواره مورد انتقاد منتقدان ادبی بوده است. منتقدان ادبی برزیل او را نویسنده‌ای سطح پایین با آثاری ساده و شبیه به هم در زمینه خودیاری به خویشتن می‌دانند.^(۱۱)

در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۲ پائولو به روسیه سفر کرد و به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. چهار کتاب او همزمان در فهرست کتاب‌های پر فروش قرار داشت: شیطان و دوشیزه پریم، کیمیاگر، کتاب راهنمای رزم‌آور نور، و کوه پنجم. در مدت دو هفته، بیش از ۲۵۰۰۰۰ نسخه از کتاب‌های او در روسیه به فروش رسید. مدیر کتاب‌فروشی «ام.د.کا» اعلام کرد: ما هرگز این همه آدم را ندیده بودیم که برای امضا گرفتن از یک نویسنده جمع شده باشند. ما قبلاً مراسم امضای کتاب برای بوریس یلتسین و گوریاچف و حتی پوتین برگزار کرده بودیم، اما با این همه استقبال مواجه نشده بود.^(۱۲) بنا بر نقل نشریه اپوکا، چاپ برزیل در سال ۲۰۰۰، او یکی از پنج نویسنده پرخواننده در جهان است.^(۱۳)

تمام کتاب‌های او در این کشور فروش فوق‌العاده‌ای داشت و مسئولان حکومت از مضامین به کار گرفته شده توسط او حمایت کردند.

در سال ۲۰۰۱ اتحادیه ناشران اسپانیا اعلام کرد که کیمیاگر از پر فروش‌ترین کتاب‌های اسپانیا است. در سال ۲۰۰۲، معتبرترین نشریه ادبی پرتغالی به نام ژورنال دلتراس اعلام کرد که فروش کیمیاگر، از هر کتاب دیگری در تاریخ زبان پرتغالی بیشتر بوده است. فروش آثار او در پرتغال، بیش از یک میلیون نسخه بوده است.

در ماه مه ۲۰۰۰ (خرداد ۱۳۷۹) پائولو به ایران آمد. ده روز در ایران بود. مدت زمانی که در ایران حاضر بود. شرط گذاشته بود سر سفره‌اش مشروبات الکلی باشد که متأسفانه اینچنین شد. او اولین نویسنده غیرمسلمانی بود که پس از انقلاب به ایران سفر می‌کرد. کوئلیو از سوی «مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها»، وزارت «فرهنگ و ارشاد اسلامی»، و ناشر ایرانی‌اش، انتشارات «کاروان» دعوت شده بود. پائولو با انتشارات «کاروان» قرارداد همکاری بست و با توجه به اینکه ایران معاهده بین‌المللی «کپی‌رایت» را امضا نکرده است، او اولین نویسنده‌ای بود که رسماً از ایران حق‌التألیف دریافت می‌کرد. پائولو هرگز تصور نمی‌کرد که در ایران، با چنین استقبال گرمی روبه‌رو شود. فرهنگ ایران کاملاً با فرهنگ غرب متفاوت بود. هزاران خواننده ایرانی در همایش‌ها و مراسم امضای کتاب او شرکت کردند. تاکنون کوئلیو نوزده کتاب به زبان فارسی دارد. از مهم‌ترین کتب وی کیمیاگر است که در سال ۱۳۷۶ پرفروش‌ترین کتاب سال در جمهوری اسلامی ایران شد.

مبانی فکری کوئلیو

پائولو کوئلیو - همان‌گونه که گذشت - در دوران جوانی، به دلیل آموزش‌های تحمیلی کاتولیک، که در مدرسه به او آموخته بودند، از مسیحیت متنفر شده بود تا جایی که بعدها در خصوص دین، به پلورالیزم دینی معتقد شد که این اعتقاد تا امروز هم در او وجود دارد و در آثارش نیز یافت می‌شود. یکی از محورهای تعالیم او در آثارش این است که هر کاری که دل انسان گفت باید انجام داد، و قلب بهترین راهنمای انسان است. او مدتی شیفته افکار کارل مارکس، انگلس، هگل و ارنستو چگوارا شد و به مطالعه آثار مارکس و انگلس پرداخت.^(۱۴) تفکرات کمونیستی نیز در آثار او وجود دارد. همچنین او از فرقه‌ای به نام «رام» (Ram) تأثیراتی گرفت. مدتی بعد به جادوگری پرداخت و برای یافتن شخصیت مورد علاقه‌اش، کارلوس کاستاندا، که از مشاهیر معناگرایی سرخ‌پوستی است، تمام آمریکای لاتین را زیر پا گذاشت. او خود می‌گوید: کاستاندا برای من بت محسوب می‌شود.^(۱۵) وی در این سفر با جادوگران متعددی آشنا شد و تجربه‌های خود را در کتاب *والکری‌ها* بازگو کرده است. او در آثارش به وضوح متأثر از برخی اندیشه‌های ممزوج با سحر عرفان سرخ‌پوستی است.

نویسندگان محبوب کوئلیو، که از آنها در آثارش بسیار بهره گرفته، عبارتند از: خورخه لوئیس بورخس، ویلیام بلیک، ژرژ آمادو، و هنری میلر.^(۱۶)

کوئلیو زمانی که در بحران معنوی بود، فرقه‌های متعددی را تجربه کرد. از جمله، او به شدت متأثر از مشرب‌های معنوی شرق آسیاست و یوگا، بودیسم، هندوئیسم و تائوئیسم بر او تأثیرات جدی گذاشته

است. علاوه بر اینها، استفاده از مواد مخدر و مواد الکلی در آثار او نمایان است و شاید بتوان گفت: در کمتر اثری از اوست که در آن نامی از شراب و مواد الکلی برده نشده باشد.

کوئلیو پیام‌هایی را به خوانندگان آثار خویش منتقل می‌کند که بسیار گسترده است و در طیف وسیعی قرار می‌گیرد؛ برخی از آنها ادبی است و برخی دیگر عرفانی؛ بعضی از آنها از سنت معنوی مکزیکی همچون عرفان ساحری کاستاندا تبعیت می‌کند و بعضی دیگر حامل مضامین شرقی است؛ برخی از این نگرش‌ها ریشه در مدرنیته دارد و برخی از آنها مربوط به دوران پست‌مدرن است. به سختی می‌توان گفت: این اندیشه‌ها و نگرش‌ها از بنیادی روشن و مشخص سرچشمه گرفته است؛ زیرا میان آنها انسجامی نمی‌توان یافت و گسیختگی و تناقض از مشخصه‌های بارز افکار و تعالیم کوئلیو است. شاید علت اختلاف‌های شدید در میان اندیشه‌های او این باشد که منابع آن بسیار متنوع و متفاوت است، شاید هم کوئلیو اصلاً به دنبال ارائه دیدگاهی منسجم نباشد و تنها خواسته است در هر اثری به تناسب، دیدگاه یا دیدگاه‌هایی را مطرح کند. ولی جای این سؤال هست که چگونه می‌توان تفکرات ضددینی را با تعالیم دینی در یک جا نشاناند؟ چگونه می‌توان تعابیر ضداخلاقی را در کنار اخلاق قرار داد؟ چگونه می‌توان هنجارگرایی را با راهبردهای آنارشیزستی در کنار هم گرد آورد؟ چگونه می‌توان بایدها و نبایدهای او را با اندیشه تسامح و تساهل به ساحلی واحد رساند؟ جادوگری با رئالیسم چه نسبتی دارد؟ عشق مقدس را با بی‌عفتی و روسپی‌گری چه کار؟ ترویج مستی و می‌خوارگی با عرفان و اشراق چه تناسبی

ناشرانی هستند که آثار او را در ایران ترویج و تبلیغ می‌کنند، هرچند مروجان او منحصر به مترجمان و ناشران نیستند.

اولین بار در سال ۱۳۷۴ با انتشار کتاب *کیمیای گر* آثار پائولو کوئلیو وارد ایران شد. اولین مترجم کوئلیو در ایران خانم *دل‌آرا قهرمان* است. وقتی *کیمیای گر* با ترجمه او برای اولین بار منتشر شد، هیچ‌کس پائولو را نمی‌شناخت. کتاب را یکی از دوستان قهرمان از پاریس برایش فرستاد. دانشجویان و گروه‌های گوناگون کتاب را می‌خواندند و *دل‌آرا قهرمان* را برای سخنرانی دعوت می‌کردند.^(۱۷)

پس از او، *طاهره صدیقیان*، *حسین نعیمی*، *مریم افراشی*، *آرش حجازی*، *حسین شهبابی*، *سوسن اردکانی*، *بهرام جعفری*، *فریبا ریاضی*، *کیومرث پارسای*، *محمد مجلسی*، *محمود سلطانیه*، *میترا میرشکار*، *شیرین لارودی*، و *ناهید ایران‌نژاد* از دیگر مترجمان آثار کوئلیو محسوب می‌شوند.^(۱۸) کمیت رو به رشد آثار این نویسنده سبب شده بود بعضی به ترجمه یک یا دو اثر از او اکتفا کنند و بعضی دیگر دستپاچه و هیجان‌زده، ترجمه‌های دست و پاشکسته روانه بازار کتاب کردند.^(۱۹)

اما شاید برای کسانی که خواننده ترجمه‌های آثار کوئلیو در ایران هستند، نام *آرش حجازی* از دیگر مترجمان آشنا تر باشد. حجازی دارای مجوز رسمی و انحصاری از شخص کوئلیو برای ترجمه آثار او در ایران است.^(۲۰) او انتشارات «کاروان» را در سال ۱۳۷۶ تأسیس کرد و سه سال بعد کوئلیو را به ایران دعوت کرد و در همین سفر کوئلیو امتیاز انحصاری ترجمه آثارش را به او و انتشارات «کاروان» داد. هرچند چون قانون «کپی‌رایت» در ایران معتبر

دارد؟ اینها و ده‌ها سؤال دیگر حاکی از آن است که کوئلیو هرگز یک «متفکر» نیست، بلکه او را باید تنها در حد و قواره یک نویسنده شهیر دانست که به دنبال کسب درآمد از طریق خلق آثار است. بنابراین، معرفی کوئلیو به عنوان یک اندیشمند و صاحب سبک فکری، نادرست است. البته در آثار وی جذابیت‌های دلنشین و انگاره‌های زیبای هنری کم نیست.

بر این اساس، در مجموع می‌توان گفت: دستمایه‌های اولیه معنویتی که کوئلیو سعی دارد آن را به صورت رمان‌های متنوع در ذهن خوانندگان جای دهد، ممزوجی است از عرفان مسیحیت - که دین اوست - و عرفان ساحری - که از آثار کارلوس کاستاندا الهام گرفته - همراه با افکار مارکس. البته بدون تردید، پائولو تحت تأثیر افراد مختلف دیگری هم بوده و از نگرش‌های متنوعی الهام پذیرفته است؛ افرادی همچون *خورخه لویس بورخس*، *هنری ویلر*، *ژورژ آمادو*، *خیام*، *مولوی*، *یونگ*، و *پولس قلدیس*. کوئلیو، همچنین از کتاب‌های عرفان اسلامی، حتی قرآن، از عهد جدید و عهد عتیق، *تائوته چینگ*، کتاب مقدس تائوئیست‌ها، متون مقدس بودایی و مانند آن استفاده می‌کند؛ زیرا اساساً در معنویت‌های نوظهور، حقیقت مهم نیست، بلکه کارایی مهم است. در این صورت، اهمیت ندارد که کدام دین و آیین معنوی کامل‌تر و درست‌تر است، بلکه هر کدام که تو را آرام می‌کند، می‌تواند دین تو باشد!

کارگزاران نشر آثار کوئلیو در ایران

به دلیل آنکه ابزار اصلی کوئلیو در نشر افکارش، قالب رمان و داستان است، بنابراین، عمده‌ترین عاملان و ترویج‌دهندگان آثار او در ایران، مترجمان و

می‌یابند و حتی شخصیت‌های رده دوم اجازه ورود به این اجلاس را ندارند. کوئلیو در این نشست، درباره آثار خود و نوع عرفانی که القا می‌کند، مطالبی بیان داشت! در آن نشست، شیمون پرز (از مسئولان عالی‌رتبه رژیم صهیونیستی) از او قدردانی کرد و گفت: «معنوبتی که شما مبلغ آن هستید در خاورمیانه بسیار برای ما مفید است و ما بدین شیوه، می‌توانیم صلح و آرامش یهودیان را در کشور خود حکم‌فرما کنیم.»^(۲۵) این مطلب دلیل روشنی است بر نوع عرفانی که از سوی کوئلیو ترویج می‌شود؛ همان معنویت و عرفانی که با ترویج تساهل و تسامح و اباحیگری روحیه جهاد و مبارزه را از مسلمانان فلسطینی به نفع غاصبان اسرائیلی می‌گیرد. از همین رو، برخی از صاحب‌نظران پائولو کوئلیو را متعلق به نوعی از جریان معنویت منسوخ اومانستی می‌دانند که به شدت مورد توجه نظام سلطه است و توسط رسانه‌های وابسته تبلیغ و ترویج می‌شود؛ معنوبیتی که فاقد شریعت است و بر آموزه‌های مسیحیت یهودی شده (یا همان صهیونیسم مسیحی) تأکید دارد، اگرچه رابطه پائولو کوئلیو و کانون‌های صهیونیستی بسیار مستحکم‌تر از این است. خود وی در مصاحبه‌ای که در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۷ با نشریه فوکوس مونیخ انجام داد، به رابطه گسترده‌اش با این محافل اشاره کرد. کوئلیو در آن مصاحبه گفت: «برای ۱۰ سال است که عضو مرکز "شیمون پرز برای صلح" (Shimon Perez Center for Peace) هستیم. این نهادی است که به خود آقای پرز متعلق است و تلاش‌هایی را که برای برقراری صلح در خاورمیانه انجام می‌شود، سازمان می‌دهد.»

پائولو کوئلیو پیش از این نیز به دعوت

نیست، ناشران دیگری نیز به چاپ و انتشار آثار کوئلیو پرداخته‌اند. آرش حجازی همان کسی است که در جریان کشته شدن ندا آقاسلطان در اغتشاشات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در صحنه حادثه بود و متهم به دست داشتن در قتل ندا آقاسلطان است. وی چند روز پس از حادثه، از کشور فرار کرد و به انگلستان پناهنده شد. جالب اینجاست که پائولو از مقامات انگلیس خواست تا ویزای آرش حجازی، دانشجوی دانشگاه آکسفورد بریتانیا، را تمدید کنند تا مجبور به بازگشت به ایران نباشد.^(۲۱)

علاوه بر انتشارات «کاروان»، که ناشر رسمی آثار پائولو در ایران است، ۱۶ ناشر دیگر نیز آثار وی را منتشر نموده‌اند،^(۲۲) اما این تعداد روز به روز در حال گسترش بود.^(۲۳) تعداد این ناشران تا سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) به ۲۸ ناشر رسیده است.^(۲۴)

از عاملان دیگری که نقش مهمی در سفر کوئلیو به ایران داشتند، سیدمحمد خاتمی، رئیس مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و عطاءالله مهاجرانی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره اصلاحات هستند. آرش حجازی با همکاری این دو نهاد و مهاجرانی در دوره اصلاحات، توانست پائولو کوئلیو را در خرداد ماه ۱۳۷۹ به ایران بیاورد. این سفر در استقبال از آثار کوئلیو تأثیرات بسزایی داشت و موجب شد آثار کوئلیو در دهه ۸۰ به چاپ‌های متعدد برسد.

حمایت سران رژیم صهیونیستی از کوئلیو

کوئلیو در سال ۲۰۰۱ برای سخنرانی به اجلاس «داووس» دعوت شد و تنها شخصیت‌های عالی‌رتبه کشورهای قدرتمند سیاسی و اقتصادی در آن حضور

پرداخته‌اند تا سلیقه‌های گوناگون را جذب کنند. انتشارات «کاروان»، ناشر اختصاصی آثار پائولو کوئلیو در ایران، با شیوه‌های جذاب و تقریباً منحصر به فرد همچون تبلیغ کتاب‌های وی در ایستگاه‌های مترو، در این عرصه، گوی سبقت را از دیگر ناشران ربوده است.

یکی دیگر از شیوه‌های تبلیغی که انتشارات «کاروان» برای فروش بیشتر آثار کوئلیو به کار برده چاپ چند کتاب در قالب یک کتاب است. از جمله چاپ مجموعه و در روز هفتم که شامل ۳ کتاب کنار رود پیدرا نشستم و گریستم، ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد، شیطان و دوشیزه پریم است. تبلیغ این کتاب در انتهای کتاب ورونیکا... قابل مشاهده است.^(۲۸)

اقدام دیگر در این رابطه، عرضه کتاب‌ها به صورت کتاب صوتی است که محسن نامجو در سال ۱۳۸۷ با همکاری انتشارات «کاروان»، کتاب مشهور کیمیاگر را با ترجمه آرش حجازی، به شکل کتاب سخنگو یا کتاب صوتی ضبط و منتشر کرد. همچنین کتاب گویای نامه‌های عاشقانه یک پیامبر و کتاب گویای رزم‌آور نور و راهنمای رزم‌آور نور از کتاب‌های کوئلیو با صدای میکایل شهرستانی در اینترنت قرار داده شده است.^(۲۹)

یکی دیگر از شیوه‌های تبلیغی، سفرهایی است که کوئلیو در طول سال، به کشورهای گوناگون انجام می‌دهد این سفرها با هماهنگی ناشران کوئلیو صورت می‌گیرد. او تقریباً نیمی از سال را در سفر می‌گذراند.^(۳۰) البته کوئلیو در سفری که به ایران داشت، گفت: «من هشت ماه از سال را به سفر می‌پردازم.»^(۳۱) این سفرها امکان ایجاد ارتباط نزدیک نویسنده با مترجمان و خوانندگان او را فراهم می‌کند و

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، به عضویت «بنیاد شورای مدیران بنیاد پرز» درآمده بود و در یکی از سفرهایش از دست شیمون پرز به خاطر خدماتش به عالم ادبیات و عرفان، جایزه دریافت کرد. در همان مراسم، شیمون پرز آرزو کرده بود که آثار کوئلیو در تمام دنیا منتشر شود و بیشترین مخاطب را داشته باشد. بنابر آماری که از سوی برخی مراکز انتشاراتی غرب ارائه شده، انتشار آثار کوئلیو پس از کتاب مقدس بیشترین هزینه و سرمایه را در دنیا به خود اختصاص داده و به همین دلیل، از گسترده‌ترین چاپ و توزیع جهانی برخوردار بوده است!^(۲۶)

روش‌های تبلیغی و علت گسترش آثار کوئلیو

آثار کوئلیو تاکنون در بیش از ۱۵۰ کشور جهان و به ۵۶ زبان ترجمه شده است. بیش از ۱۰۰ میلیون نسخه از آثار او در سراسر جهان به فروش رسیده است.^(۲۷) عوامل متعددی در فروش بالای آثار کوئلیو دخیل است. شیوه‌های تبلیغی، که او و ناشرانش در سراسر دنیا از آنها استفاده می‌کنند، در این فروش بالا بی‌تأثیر نبوده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: اشتیاق ناشران آثار پائولو در ایران در رابطه با نشر و توزیع آثار وی به حدی است که ناشران ایرانی علاوه بر ارائه ترجمه‌های گوناگون از آثار وی، اقدام به انتشار آن آثار به نام‌های گوناگون و با طرح جلد‌های متفاوت کرده‌اند و این اشتیاق و دل‌باختگی به حدی است که ۱۳ اثر پائولو با ۲۳ نام متفاوت و با ۵۴ طرح جلد گوناگون به چاپ رسیده است. برخی از ناشران ایرانی در رقابتی کم‌نظیر، اقدام به انتشار آثار پائولو در طرح‌ها، رنگ‌ها و اندازه‌های گوناگون با ترجمه‌های متفاوت نموده و به تبلیغ کتاب‌های وی

حالی که در سال ۱۹۹۹، این تعداد تنها ۱۰ هزار نسخه بود. به نظر من، اگر مردم فصل‌های اولیه کتاب را بخوانند و آن را بیسندند، آن را خواهند خرید.»^(۳۴)

از دیگر شیوه‌های تبلیغی، تبدیل کتاب به فیلم و نمایش آن بر روی پرده سینماست؛ کاری که دربارهٔ رمان *کیمیاگر* صورت گرفت و شرکت «واینشتاین» (Weinstein) اعلام کرد: مشهورترین رمان پائولو کوئلیو، *کیمیاگر*، را در فیلمی با بیش از ۶۰ میلیون دلار هزینه، به روی پرده سینما می‌برد.^(۳۵)

این شیوه باعث تبلیغ دیگر آثار کوئلیو شده است؛ همچنان‌که وقتی کتاب *کیمیاگر* در کشوری فروش بالایی می‌کرد؛ سبب می‌شد مردم، دیگر آثار او را هم مورد توجه قرار دهند.

استفاده از اینترنت و فضای مجازی

یکی از ابزارهای جدید، ارتباط بین افراد از طریق فضای اینترنت است. پائولو کوئلیو کسی است که از این امکان در سطح بالایی استفاده می‌کند و حضور فعالی در فضای مجازی دارد و از آن برای ایجاد ارتباط با خوانندگان آثار و تبلیغ کتاب‌هایش برای فروش بیشتر استفاده می‌کند. کوئلیو خود در این باره می‌گوید: من نه تنها از اینترنت استفاده می‌کنم، بلکه به اینترنت معتادم.^(۳۶) کوئلیو را به جرئت می‌توان علاقه‌مندترین نویسندهٔ مشهور معاصر به اینترنت و رسانه‌های دیجیتال دانست. یک استاد رشتهٔ روزنامه‌نگاری به نام جف جارویس، که کتابی دربارهٔ «گوگل» نوشته، دربارهٔ او اظهار نظر کرده که کوئلیو «گوگلی‌ترین نویسنده‌ای است که من می‌شناسم!» کوئلیو علاقهٔ زیادی به شبکه‌های اجتماعی دارد. او از سه سال قبل، عضو شبکهٔ اجتماعی «مای اسپیس»

در فروش کتاب‌هایش نقش مهمی ایفا می‌کند.^(۳۲)

ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی پائولو کوئلیو روی شبکهٔ جهانی اینترنت به زبان فارسی از دیگر عوامل ترویج آثار اوست.^(۳۳) در پایگاه رسمی پائولو کوئلیو به زبان فارسی، اطلاعاتی دربارهٔ زندگی‌نامه، مؤسسهٔ پائولو، نمایشگاه عکس، کتاب‌ها و مانند آن در دسترس است. پایگاه رسمی پائولو به ۱۴ زبان پرتغالی، اسپانیولی، انگلیسی، ایتالیایی، فرانسوی، رومانی، آلمانی، فارسی، ژاپنی، لهستانی، روسی، چینی، عربی و چک دربارهٔ این نویسنده و آثارش اطلاع‌رسانی می‌کند. آرش حجازی به او پیشنهاد داده است که ترجمهٔ فارسی کتاب‌هایش را در اینترنت منتشر کند. کوئلیو نیز با پیشنهاد انتشار رایگان ترجمهٔ فارسی کتاب‌هایش در اینترنت موافقت کرده است. کوئلیو معتقد است: «نویسندگان اینترنت را دست‌کم گرفته‌اند.» او پس از قرار دادن هفت فصل ابتدایی آخرین کتاب خود، *جادوگر پورتبلو*، بر روی اینترنت، در گفت‌وگویی که با «رویترز» داشت، گفت: عقیده دارم این حق خواننده است که پیش از خرید کتاب، بتواند آن را بخواند. هدف من این بود که یک چهارم کتاب را در اینترنت بگذارم تا نظر خوانندگان را دربارهٔ کتاب جدیدم بدانم. کوئلیو دربارهٔ اینکه شاید دسترسی خوانندگان به نسخه‌های آنلاین موجب کاهش فروش آثارش شود، گفت: «در سال ۱۹۹۹ در روسیه متوجه شدم تمام کتاب‌هایم به صورت رایگان روی اینترنت قرار دارند و نسخه‌های تقلبی آن نیز در بازار است. بنابراین، تصمیم گرفتم به جای مقابله، تمام کتاب‌هایم را در وب‌سایتم بگذارم. اما به جای آنکه با کاهش فروش کتاب‌هایم مواجه شوم، از فروش ۱۰ میلیون نسخه‌ای در روسیه برخوردار شدم، در

تا پایان سال ۱۳۷۶، چهار کتاب از کوئلیو به چاپ رسید که عبارتند از: *کیمیاگر* (که طی کمتر از ۲ سال، ۳ ترجمه از آن ارائه شد)، *کنار رودخانه پیدرا نشستم* و *گریستم*، دیدار با فرشتگان، و سفر به دشت ستارگان که هر یک از این ۳ کتاب با ۲ ترجمه منتشر شدند.^(۳۹)

کیمیاگر پس از اینکه اولین بار در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسید، آنچنان سریع در میان علاقه‌مندان جا باز کرد که در کمتر از دو سال بعد، یعنی در سال ۱۳۷۶ جزو پرفروش‌ترین کتاب‌های سال در ایران شد. *کیمیاگر* تا پایان سال ۱۳۸۰، ۳۷ بار تجدید چاپ شد. تنها نشر «کاروان» تا سال ۱۳۸۳، ۲۱ بار کتاب *کیمیاگر* را تجدید چاپ نمود. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که انتشارات «کاروان»، که در سال ۱۳۷۶ تأسیس شده بود، در عرض ۷ سال، یعنی تا سال ۱۳۸۳ *کیمیاگر* را ۲۱ بار تجدید چاپ کرد^(۴۰) و با اینکه در اول کتاب چاپ شده توسط این ناشر آمده که کتاب مذکور به هیچ شکلی قابل تکثیر و تولید مجدد نیست، در عین حال، ناشران دیگر هم این کتاب را چاپ نموده‌اند!^(۴۱)

بر اساس اطلاعات موجود در مؤسسه «خانه کتاب» تا پایان ۱۳۸۰، سیزده اثر پائولو با ۲۳ عنوان، ۱۳۳ بار تجدید چاپ شده است و اگر هر بار دست‌کم در ۵۰۰۰ شماره چاپ شده باشد، می‌توان نتیجه گرفت: دست‌کم ۶۶۵۰۰۰ جلد از کتاب‌های پائولو تا سال ۱۳۸۰ در ایران به فروش رسیده است!^(۴۲)

کوئلیو در سفر ده روزه‌ای که در سال ۱۳۷۹ به ایران آمده بود، گفت: برای من استقبال ایرانیان از کتاب‌هایم غافلگیرکننده بود. پولی که من برای چاپ کتاب‌هایم از ایران دریافت می‌کنم، از هیچ جای دنیا نگرفته‌ام.^(۴۳)

(MySpace) شده است. در این پایگاه بیش از ۳۸ هزار نفر او را به فهرست دوستان خود اضافه کرده‌اند. کوئلیو این شبکه اجتماعی را راهی مناسب برای ارتباط با علاقه‌مندان خود می‌داند. ضمناً باشگاه هواداران فارسی‌زبان پائولو کوئلیو در پایگاه «فیس‌بوک» در سال ۱۳۸۸ راه‌اندازی شده است.

کوئلیو در اقدامی جالب، از دوست‌دارانش در پایگاه مای‌اسپیس خواست که ویدئوها و موسیقی‌هایی که درباره کتاب *ساحره پورتولیو* - از آخرین آثار او - ساخته‌اند، برایش ارسال کنند. شش هزار نفر برای او موسیقی و ویدئو فرستادند. از بین آنها ۱۵ اثر انتخاب شد تا در ساخت فیلم از آنها استفاده شود. کوئلیو قصد دارد این فیلم را در جشنواره‌ها شرکت دهد؛ یعنی با استفاده از فضای مجازی، زمینه ساخت فیلم از روی کتابش را با کمک علاقه‌مندان فراهم می‌آورد.

با جست‌وجو در اینترنت، متوجه می‌شویم کوئلیو در شبکه‌های اجتماعی متعددی فعال است که از جمله می‌توان این موارد را برشمرد: فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب، فرندفید، فلیکر، جایکو، Netvibes، Librarything Pownce، ردیت، تامبلر، سرویس Upcoming و Vimeo.^(۳۷)

کوئلیو همچنین در مصاحبه با رویترز گفت: «روزی سه ساعت را در اینترنت می‌گذرانم و روزانه ۵۰۰ ایمیل دریافت می‌کنم. اگرچه نمی‌توانم به همه آنها جواب دهم، اما سعی می‌کنم تا حد امکان به آنها نزدیک شوم. آنها نه تنها خوانندگان من هستند، بلکه انسان‌هایی هستند که روح مرا درک می‌کنند.»^(۳۸)

سرعت نشر آثار کوئلیو در ایران

پس از اینکه آثار کوئلیو در سال ۱۳۷۴ وارد ایران شد،

نسخه در برزیل منتشر شد.^(۴۸) یکی از آخرین رکورد‌های کوئلیو در جذب مخاطبان بی‌شمار در سراسر دنیا را می‌توان کسب عنوان پرخواننده‌ترین نویسنده جهان در سال ۲۰۰۳ به خاطر انتشار کتاب ۱۱ دقیقه دانست. (این کتاب مستهجن‌ترین کتاب کوئلیو است که در آن سرگذشت یک روسپی را توضیح می‌دهد و در آن، از اینکه جزئیات اعمال او را توضیح دهد هیچ ابایی ندارد. این کتاب ابتدا با نام *کیمیاگر ۲*، که در واقع بازنویسی ۱۱ دقیقه بدون اشاره به جزئیات مسائل و چالش‌های جنسی قصه اصلی بود، در ایران منتشر شد. حجازی در گفت‌وگویی با روزنامه *ایران* گفت: تغییر نام قصه به *کیمیاگر ۲* نیز راهی برای رد شدن از فیلتر وزارت ارشاد مبنی بر ممنوعیت چاپ کتاب ۱۱ دقیقه بود که به درخواست صاحب اثر انجام شد. البته کوئلیو به چاپ این کتاب اعتراض کرد و گفت: اگر وضعیت فرهنگی یا سیاسی ایران انتشار این کتاب را به صلاح نمی‌داند، ترجیح می‌دهم بدون دخل و تصرف بماند،^(۴۹) اما بعدها کتاب ۱۱ دقیقه بی‌کم و کاست در ایران چاپ شد!

با توجه به مطالب مزبور، سرعت نشر آثار کوئلیو در ایران، بسیار بالا ارزیابی می‌شود. سفر ده روزه کوئلیو به ایران و حمایت جدی رئیس‌جمهور و وزیر ارشاد وقت در بالارفتن این سرعت مؤثر به نظر می‌رسد.

نقد و بررسی برخی آموزه‌های کوئلیو

هرچند بیان تمامی آموزه‌های باطل کوئلیو و نقد آنها مقاله جداگانه‌ای می‌طلبد و این نوشتار درصدد نقد کامل آنها نیست، اما برای اینکه با گوشه‌ای از انحرافات موجود در آثار وی آشنا شویم این مقال

کتاب‌های دیگر کوئلیو نیز بارها تجدید چاپ شده است که چند نمونه ذکر می‌شود:

- کتاب *دیدار با فرشتگان*، ترجمه دل‌آرا قهرمان فقط در زمستان ۱۳۷۶ سه نوبت تجدید چاپ شد.^(۴۴)

- کتاب *عطیه برتر* در سال ۱۳۸۷ به چاپ پانزدهم رسید.^(۴۵)

- کتاب *دومین مکتوب* در سال ۱۳۸۷ به چاپ دوازدهم رسید.^(۴۶)

بنا به گفته آرش حجازی در مصاحبه با نشریه *اپوکای برزیل*، ایران دومین کشوری است که کتاب *ورونیکا تصمیم می‌گیرد* بمیرد را منتشر کرد و بناست کتاب بعدی کوئلیو *شیطان و دوشیزه پریم* رانیز بلافاصله پس از انتشارش در برزیل، در تهران منتشر کنیم.^(۴۷) همچنین انتشارات «کاروان» کتاب دیگر کوئلیو به نام *برنده تنهاست* را که در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) در برزیل به چاپ رسیده بود، تنها یک سال بعد در تهران به چاپ رساند.

این سرعت نشر درباره انتشارات کتاب *زهیر* از موارد بالا نیز بیشتر بود، تا جایی که این کتاب حتی زودتر از برزیل، در اسفند ماه ۱۳۸۳ (مارس ۲۰۰۵) برای اولین بار، در ایران منتشر شد! این اقدام با انتقاد مطبوعات برزیلی همراه شد که می‌پرسید: چرا کوئلیو کتابش را برای اولین بار، در جایی غیر وطنش منتشر می‌کند؟ طبق زمان‌بندی ارائه شده از سوی انتشارات «رکو»، ناشر برزیلی آثار این نویسنده نامدار، *زهیر* نیز قرار بود در یک دوره زمانی ده ماهه، یعنی از مارس تا دسامبر سال ۲۰۰۵ با شمارگان فوق‌العاده ۸ میلیون نسخه به ۴۲ زبان دنیا و در بیش از ۸۰ کشور جهان منتشر شود. *زهیر* در آوریل ۲۰۰۵ (اردیبهشت ۱۳۸۴) در شمارگان بی‌سابقه ۳۲۰ هزار

رفتن به مراتب بهتر از بنیادگرایی دینی است. (۵۳)

وقتی کسی می‌آید به تو می‌گوید: خدا این است و خدا آن است، یا خدای من قوی‌تر از خدای توست، تنها راه در دام نیفتادن این است که بفهمی جست‌وجوی معنویت یک مسئولیت شخصی است که تو نه می‌توانی به کسی منتقل کنی و نه به دیگران توصیه کنی. بهتر است انسان اشتباه کند و دنبال نشانه‌های غلط برود تا اینکه به دیگران اجازه دهد برای سرنوشتش تصمیم بگیرند. (۵۴)

کوئلیو مذهب را به گونه‌ای می‌بیند که حتی روسپی و فاحشه هم می‌تواند فردی باایمان باشد، تا جایی که بیشتر روسپی‌ها اعتقاد مذهبی خود را حفظ می‌کنند. (۵۵)

کوئلیو برای ادیان جنبه‌ماورایی قایل نیست و ادیانی مانند بودیسم، هندویسم، کاتولیک و اسلام را در کنار هم قرار داده، آنها را خرافات می‌داند. (۵۶)

کوئلیو - همچنان که خود گفته - برای دین و مذهب منشأ الهی قایل نیست و اساساً فرقی میان ادیان آسمانی با دین‌های ساختگی قایل نیست و همه را با نگاه سرگرمی و یک نوع نیایش جمعی می‌داند و حداکثر منشأ دین را یک قرارداد اجتماعی می‌داند. البته این گفته او صرفاً یک ادعاست و دلیلی برای آن اقامه نکرده. می‌توان گفت: کوئلیو قایل به پلورالیسم دینی است. درباره این سخن کوئلیو، که سخن هیچ‌کس برای شما حجیت ندارد و به سخنان بنیادگرای دینی، که بر اصول ثابتی تأکید می‌کنند، هرگز گوش نسیارید، باید گفت: چه طور به قول خودش سخن بنیادگرای دینی را نباید پذیرفت و بالاتر اینکه سخن هیچ‌کس در حق دیگری حجیت ندارد، اما خود او فرامین استادش را، که یک زن فاحشه بوده است، مو به مو انجام می‌دهد؟! (۵۷)

سعی می‌کند به بعضی از مهم‌ترین آنها اشاره کند، تا کسانی که از روی غفلت آثار او را می‌خوانند، بدانند که اگرچه تمامی محتوای آثار کوئلیو سراسر باطل نیست، اما آموزه‌هایی که در لابه‌لای آثارش وجود دارد - و البته کم هم نیست - در تعارض آشکار با عقل و مبانی دین اسلام قرار دارد.

الف. نوع نگاه به مذهب

کوئلیو در پاسخ به این سؤال که «مذهب چیست؟» می‌گوید: من آن را نحوه گروهی پرستش می‌دانم... آدم می‌تواند بودا، الله، یا خدای مسیح را پرستش کند. فرقی نمی‌کند... برای من مذهب یعنی این، و نه مجموعه‌ای از قراردادهای و دستوراتی که به دیگران تحمیل شود! کوئلیو مذهب را حداکثر «نیایش جمعی» بشر می‌داند، نه بیشتر. آنچه مهم است اینکه انسان در لحظه‌ای خاص بتواند در کنار گروهی از متدینان با غیب ارتباط برقرار کند. (۵۰)

از منظر کوئلیو، مذهب یک سرگرمی معنوی است، نه راه واقعی برای سعادت بشر! در نتیجه، همان‌گونه که سرگرمی هنری و ادبی نیاز روح کوئلیو است، مذهب هم به عنوان یک سرگرمی معنوی برای روحیه جمعی بشر نیاز است. (۵۱)

البته به نظر می‌رسد کوئلیو دین را در این کارکرد خود نیز موفق نمی‌داند؛ زیرا معتقد است: کسی نباید مسئولیت جست‌وجوی معنوی خود را بر عهده دین بگذارد. (۵۲)

او به خوانندگان آثارش توصیه می‌کند که سخن هیچ‌کس برای شما حجیت ندارد. به سخنان بنیادگرای دینی، که بر اصول ثابتی تأکید می‌کنند، هرگز گوش نسیارید، حتی اگر به قیمت اشتباه کردن و گم کردن راه باشد؛ چراکه گم کردن راه و اشتباه

پاسخ به سؤالی را درمی‌یابد که همه از خود می‌پرسند: آیا خدا وجود دارد؟... تقریباً یقین داشت که همه چیز با مرگ پایان می‌پذیرد. (۵۹)

در این‌گونه نوشته‌ها، طرح این پرسش که آیا خدا وجود دارد و پاسخ به آن، که با مرگ همه چیز پایان می‌یابد، نکته‌ای است که بر عبث بودن آفرینش و نبود ثواب و عقاب در آخرت تأکید دارد. رواج این عقیده سبب جرئت انسان بر گناهان می‌گردد. از سوی دیگر، اشاره پائولو به این نکته که انسان پس از آفرینش خلاف خواست خداوند متعال عمل می‌کند و خدا با علم به این نکته که انسان از فرمان او سرپیچی می‌کند، وی را خلق کرده، دستاویز دیگری برای زندگی سراسر گناه و معصیت انسان است.

۲. خدای همیشه راضی: خدا در آثار کوئلیو شریعت مشخصی ندارد و به همه چیز راضی می‌شود؛ چنان‌که از زبان یک اسقف آمده است:

ابراهیم بیگانگان را پذیرفت و خدا راضی بود. الیاس بیگانگان را نپذیرفت و خدا راضی بود. داود به کرده‌های خود می‌بالید و خدا راضی بود. باجگیر جلوی محراب از کرده‌های خود شرم داشت و خدا راضی بود... از کجا بدانیم چه چیزی قادر متعال را خشنود می‌کند؟ کاری را بکن که قلبت فرمان می‌دهد و خدا راضی می‌شود. (۶۰)

نتیجه این نگاه به خدا آن است که معیاری برای درست و غلط بودن کارهای ما وجود ندارد. بنابراین، نافرمانی و گناه در برابر خدا بی‌معناست. پس هر کاری را که دلت می‌پسندد همان را انجام بده که رضای خدا در آن است و این یعنی اباحیگری!

۳. خدای ظالم: در نوشته‌های کوئلیو گاهی خدایی غیر عادل به تصویر کشیده می‌شود؛ «خدایی بی‌رحم

چه‌طور او دیگران را از پیروی یک راهنما در زندگی منع می‌کند و می‌گوید: هرکس باید به دنبال افسانه شخصی خودش باشد و نباید خود را ملتزم به شریعت خاصی کند، اما خودش از این قاعده مستثناست؟ آیا دستورات یک زن فاحشه، که راهنمای او در رسیدن به جادوست، حجیت دارد، اما سخن خدا، که از طریق پیامبرانش به انسان‌ها می‌رسد، حجیت ندارد، آن هم پیامبرانی که با دلایل گوناگون عقلی و نقلی و معجزه، صدق گفتارشان به اثبات می‌رسد.

ب. خدا و پیامبران

۱. تردید در وجود خدا و بی‌هدف دانستن زندگی: کوئلیو در آثارش، بارها در وجود خداوند با شک و تردید نگریسته است! او می‌نویسد:

اگر خدا وجود داشته باشد، می‌داند که درک بشر محدود است. او همان است که این هرج و مرج را آفرید که در آن فقر هست، بی‌عدالتی هست... بدون شک، او قصد خیر داشته، اما نتیجه آن فاجعه‌آفرین بوده! اگر خدا وجود داشته باشد در مورد موجوداتی که تصمیم می‌گیرند این زمین را زودتر ترک کنند (خودکشی)، بخشنده خواهد بود و شاید حتی از اینکه ما را وادار کرده و قسطن را آنجا بگذرانیم معذرت بخواهد! (۵۸)

در ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد، می‌گوید:

مادر ورونیکا می‌گفت: خداوند از گذشته، حال و آینده باخبر است. در این صورت، خدا ورونیکا را با اطلاع کامل از اینکه کارش به خودکشی خواهد انجامید، به این جهان فرستاده و از اعمال او یگمه نمی‌خورد!... این فکر را مزمه کرد که به زودی

این راه فهمیدم که من در راه خودم هستم؛ چون آن را می‌خواهم؛ نه به این دلیل که پدر و مادر یا سنت‌های کشور و یا حتی تو آن را به من تحمیل کرده‌ای... با این‌همه، برای اینکه تو رسالت پرارزشت را به من بسپاری، باید مبارزه‌ای را که علیه تو آغاز کرده‌ام به پایان برم تا زمانی که مرا برکت دهی. (۶۵)

نگاه کوئلیو به خدا و پیامبران‌ش به این ختم نمی‌شود، بلکه در جای دیگر، پیامبری گناهان خدا را فهرست می‌کند و به خدا ثابت می‌کند که گناهان پیامبر در مقابل گناهان خدا ناچیز است. ایلیای پیامبر خطاب به خداوند می‌گوید:

خدا یا، امروز روز آمرزش است و گناهان من نسبت به تو بی‌شمارند... با این‌همه، گناهان تو نسبت به من نیز بی‌شمار است؛ تو قبل از آنکه لازم شود، با بردن تنها کسی که وی را دوست داشتم موجب رنج من شدی. تو شهری که مرا پذیرا شده بود ویران کردی. سنگ‌دلی تو موجب شد که عشقی را که به تو داشتم فراموش کنم. در تمام این مدت، با تو مبارزه کردم و تو شرافت مبارزه مرا به رسمیت نمی‌شناسی. خدا یا، اگر فهرست گناهان من و گناهان تو را با هم بسنجیم به من مدیون خواهی بود! اما چون امروز روز آمرزش است، تو مرا خواهی بخشید، من نیز تو را خواهم بخشید تا بتوانیم باز با هم راه برویم! (۶۶)

ایلیا با صدای بلند فریاد می‌زند: «خدا یا، چرا مرا انتخاب کردی؟ مگر نمی‌بینی که من قادر به انجام آنچه تو می‌خواهی، نیستم؟»

کوئلیو مشقت‌ها و سختی‌هایی را که امت یک پیامبر برای استقرار مکتب نبوت متحمل می‌شوند، به «بدبختی» تعبیر می‌کند و علاقه‌مند است در جاهای

که همواره می‌سازد و ویران می‌کند. (۶۱) خدای غیرعادل کوئلیو موجود منفعلی است که به دست مخلوقات خود قابل تحریک است. این خدا فقط برای اینکه به شیطان ثابت کند ایوب پیامبر انسان خوبی است، بدون وجود مصلحتی دیگر، به بدترین صورت، وی را عذاب می‌کند تا جایی که ایوب به کفرگویی می‌پردازد و البته پس از کفرگویی ایوب، هرچه را که خداوند از ایوب گرفته بود، به او برمی‌گرداند. (۶۲) شیطان قادر است تدبیر خدا را چنان جهت دهد که موجب اختلال روانی یک پیامبر شود. در این نگاه، زندگی یک پیامبر بازیچه شرط‌بندی خدا و شیطان است! گاهی هم بی‌عدالتی خدا چنان روشن است که حتی پیامبر خدا این موضوع را برنمی‌تابد و خواهان دور شدن خداوند از زندگی‌اش می‌شود. از زبان ایلیا می‌نویسد: «خدا یا، من حکمت تو را در نمی‌یابم. من در اعمال تو عدالت نمی‌بینم. من قادر نیستم رنجی را که به من داده‌ای متحمل شوم. از زندگی من دور شو!» (۶۳)

۴. خدایی که پیامبرش هم او را حکیم نمی‌داند! خدا در نوشته‌های کوئلیو، کسی است که حتی پیامبران‌ش هم او را به حکمت و عدالت نمی‌شناسند، هرچند کوئلیو پیامبران را از جایگاه حقیقی‌شان به زیر کشیده و تصویری مبهم و آلوده از آنها به نمایش گذاشته است. مُرسِل و مُرسِل هر دو خطاکار و اهل لغزشند! ایلیای پیامبر هرچند در وجود خدای خود شک ندارد، اما در حکمتش تردید دارد. وی از زبان ایلیای نبی می‌گوید: «خدا تا به حال کارهایی کرده که در حکمتش تردید کرده‌ام. البته هرگز در وجودش شک نکرده‌ام.» (۶۴)

۵. پیامبر طلب‌کار از خدا! ایلیا برخاست و به دعایش مشغول شد: خداوند، من با تو مبارزه کردم، اما شرمگین نیستم. از

نابینا، درمان کردن یک افلیج یا بیرون کردن شیطان از بدن جنزده نبود، بلکه تبدیل آب به شراب و هیجان بخشیدن به یک مهمانی بود... نخستین قدیس او که بود؟ نه یکی از رسولان بود و نه یکی از شاگردان و نه یکی از پیروان وفادارش، بلکه دزدی بود که در کنارش جان سپرد. (۷۵)

ج. ترویج فساد و بی بندوباری

تشریح صحنه‌های زشت و غیراخلاقی و بهره‌گیری از جنس مؤنث به منظور جذابیت بخشیدن به اثر را می‌توان یکی از خصیصه‌های آثار کوئلیو دانست. او در آثارش به تشریح صحنه‌های متعدد شراب‌خواری، رابطه‌های عاشقانه، بدمستی‌های شبانه، توصیف اندام بدن زن و مرد به گونه‌ای وسوسه‌انگیز و شهوت‌زای، برهنه شدن زن و مرد، ترسیم تماس جنسی زن و مرد، تمنای مرد از زن برای آمیزش جنسی، هم‌خوابی زن و مرد اجنبی، عشق‌بازی با معشوقه، ارتباط زن شوهردار با مرد دیگر، بی‌تفاوتی مرد در خصوص ارتباط همسرش با مردی دیگر، و تشویق بی‌تفاوتی در برابر تجاوز به نوامیس می‌پردازد. مطرح نمودن عشق پسر به پسر و دختر به دختر از جمله مواردی است که پائولو از آن استفاده کرده.

زنی که در مدارس صومعه تحصیل کرده بود، رؤیای حقارت جنسی را در سر می‌پروراند. مردانی با کت و شلوار و کراوات، خدمت‌کاران متمدن درجه اول به او از ثروتی می‌گفتند که خرج روسپیان رومانیایی کرده‌اند تا فقط اجازه داشته باشند کف پایشان را بلیسند! پسرهایی که عاشق پسرها بودند. دخترهایی که عاشق دخترهای هم‌مدرسه‌ای خود بودند. شوهرانی که می‌خواستند رابطه جنسی زن خود را با بیگانگان ببینند... (۷۶)

گونگون این تعبیر را تکرار کند. در توصیف ایلیا می‌نویسد: «حضور ایلیا فقط برای دیگران بدبختی آورده بود.» (۶۷) حتی ایلیا این مطلب را به فرشته وحی هم گوشزد می‌کند: «من تو را چندین بار دیده‌ام و از فرمان تو، که فرشته خداوند هستی، اطاعت کرده‌ام و این باعث بدبختی بسیاری از افراد شده است.» (۶۸)

۶ پیامبرانی مرده، دروغگو و خلافکار: پیامبری دیگر بارها در وظیفه خود شک می‌کند: «هرچه پیش بیاید من به خودم تردید دارم.» البته فرشته وحی هم تردید یک پیامبر را تأیید می‌کند و فقط از او می‌خواهد «اصل وظیفه را فراموش نکنند، والا هر انسانی حق دارد که گاه نسبت به وظیفه خویش دچار تردید شود.» (۶۹) بالاتر از اینها، اصلاً پیامبر در پیک الهی هم شک می‌کند. «لحظه‌ای پیش، تو شاهد بودی که من حتی مطمئن نبودم که تو واقعاً فرستاده خداوند هستی.» (۷۰) او خدا را هم متهم می‌کند که در انتخاب رسولش اشتباه کرده است. (۷۱)

این پیامبر گاهی هم مرتکب دروغ می‌شود و مدعی می‌شود که «خدایان» به او دستور داده‌اند! (۷۲) گاهی پیامبران حتی فریب دیگران را می‌خورند و اعمال کفرآمیز انجام می‌دهند، به گونه‌ای که خدا آنها را نفرین و تأدیب می‌کند. (۷۳) پیامبری دیگر عاشق زن دوستش می‌شود و به خاطر این عشق نامشروع، دوستش را به قتل می‌رساند. کوئلیو نقل می‌کند که «حضرت سلیمان به خاطر عشق به زنی بیگانه، تاج و تخت سلطنت را از کف نهاده بود، و حضرت داود یکی از بهترین دوستانش را به سوی مرگ روانه کرده بود؛ چون عاشق همسر او شده بود.» (۷۴)

یا درباره حضرت عیسی می‌گوید:

نخستین معجزه عیسی چه بود؟ شفا دادن یک

معنویت ادعایی خود را به نمایش میگذارد. بالاتر اینکه تسلیم شدن فاحشه در ارتباط جنسی را به «رؤیت نور» تعبیر می‌کند!^(۸۰)

این موارد بخشی از افکار باطل کوئلیو است که اشاره‌گذاری به آنها شد تا روشن شود رئیس‌جمهور و وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره اصلاحات زمینه سفر چه کسی را به ایران فراهم کرده بودند.

نتیجه‌گیری

با توجه به سؤالات اصلی و فرعی، یافته‌های تحقیق عبارت است از:

۱. از حیث محتوایی، آثار کوئلیو معجونی از آموزه‌های ادیان و فرهنگ‌های مختلف است و همین عامل باعث برقرای ارتباط فکری با خوانندگانش در سراسر دنیا و از جمله در ایران شده که در گسترش آثار او در ایران نیز مؤثر بوده است.

۲. علاوه بر تبلیغات گسترده انتشارات «کاروان»، که ناشر رسمی کوئلیو در ایران بود، فعالیت ناشران متعدد در فروش آثار کوئلیو در ایران بسیار مؤثر ارزیابی می‌شود.

۳. سفر ده روزه کوئلیو به ایران از دیگر عوامل

گسترش آثار او در ایران است. نقش حمایتی رئیس‌جمهور و وزیر ارشاد وقت در دوران اصلاحات در زمینه‌سازی این سفر قابل توجه است.

۴. معروف شدن کتاب کیمیاگر او در جهان، سبب شد افراد در جهان و ایران دیگر آثار او را نیز بخوانند و این عامل دیگر گسترش آثارش در ایران بود.

۵. برقرای ارتباط با خوانندگان و علاقه‌مندانش از طریق فضای مجازی و قرار دادن رایگان کتاب‌هایش در اینترنت از دیگر ابزارهای تبلیغی دیگر کوئلیو

این‌گونه عباراتِ مروّج اباحیگری در آثار این نویسنده به وفور دیده می‌شود و او می‌کوشد خواننده را به سوی اهداف شیطانی خود سوق دهد؛ اهدافی که به خواننده چنین وانمود می‌کند که به واسطه این ساختارشکنی و زیر پا گذاشتن همه خط قرمزها، دارای قدرت خواهد شد.

او درباره نقش نیروی جنسی برای رسیدن به مقامات معنوی می‌نویسد:

برای تحقق تشرف، باید با این نیرو آشنا شوی...

چه‌طور آشنا شوم؟ یک فرمول ساده است که در

تمام مدت رابطه جنسی، از حواس پنج‌گانه‌ات

استفاده کن. اگر در لحظه اوج لذت جنسی، همه این

حواس با هم از راه برسند، برای تشرف پذیرفته

می‌شوی!^(۷۷) در لحظه اوج لذت جنسی، حواس

پنج‌گانه ناپدید می‌شود و وارد جهان جادو

می‌شویم؛ دیگر نمی‌توانیم ببینیم، بشنویم، بچشیم،

لمس کنیم یا ببوییم. در آن چند ثانیه طولانی، همه

چیز ناپدید می‌شود و خلسه‌ای جای آنها را

می‌گیرد؛ خلسه‌ای کاملاً مشابه خلسه‌ای که عرفا

پس از سال‌ها پرهیزگاری و ریاضت به آن می‌رسند!^(۷۸)

د. پیوند معنویت و خودفروشی

از نکات منفی دیگر در همین باره، ارتباطی است که کوئلیو بین معنویت و بی‌بندباری برقرار نموده است.

وی بیش از ۳۰ مورد از «وجود نور» در چهره دخترک

فاحشه سخن به میان آورده و برای روسپیگری،

تاریخی مقدس می‌شمارد که در بعضی از برهه‌ها،

نزدیک شدن به خدا، مشخصه آن زمان بوده

است.^(۷۹) و ادعا می‌کند: معنویت با روسپیگری

منافاتی ندارد و در صفحات متعددی، ابتدال

۲۰- این مجوز همراه دستخط کوئلیو در مقدمه اغلب کتاب‌هایی که از وی ترجمه و انتشار داده، درج گردیده است.

21. www.asriran.com

۲۲- حمید نگارش، «رهبران تباهی»، مسریان، ش ۳۴، در: www.manaviat.com

۲۳- نگارنده با مراجعه به لیست کتاب‌های موجود درباره پائولو کوئلیو در کتابخانه تخصصی ادبی و هنری وابسته به دفتر تبلیغات قم تعداد ۲۳ ناشر که کتاب‌های وی را به چاپ رسانده‌اند احصا کرده است؛ از جمله انتشارات: ثالث، روزبهان، روایت، فکر روز، البرز، فرزانه روز، نی نگار، فرهنگ کاوش، ندای دانش، محراب دانش، میترا، جامی، پیر، نگارستان کتاب، افراز، زرین، شیرین، دنیای نو، فکر نو، پیکان، بهجت، علم، مرکز.

24. www.arman.parsiblog.com

۲۵- احمدحسین شریفی، *درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب*، ص ۸۰.

26. www.shia-leaders.com

۲۷- پائولو کوئلیو، *چون رود جاری باش*، ص ۱۳.

۲۸- همو، *ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد*، ترجمه آرش حجازی، ص ۲۳۶.

29. www.fa.wikipedia.org

۳۰- پائولو کوئلیو، *اعترافات یک سالک*، ص ۷۴.

۳۱- سایت پائولو کوئلیو بخش سفر به ایران.

۳۲- ر.ک: *گفت‌وگو با آرش حجازی، گزارش کتاب*، ش ۳۲.

33. www.paulocoelho.ir

۳۴- *گفت‌وگوی کوئلیو با رویترز*، به نقل از ایسنا، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۶.

35. www.caravan.ir

۳۶- مصاحبه مطبوعاتی پائولو کوئلیو در ایران، سایت پائولو کوئلیو، ۱۱ خرداد ۱۳۷۹.

۳۷- www.kharazmi.org و وبلاگ تک‌کوانچ، مقاله مایکل ارینگتون.

۳۸- *گفت‌وگوی کوئلیو با رویترز*، به نقل از ایسنا، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۶.

۳۹- شهاب شهرزاد، همان، ص ۷۹.

۴۰- ر.ک: پائولو کوئلیو، *کیمیاگر*، ترجمه آرش حجازی، ص ۵.

۴۱- به عنوان مثال *کیمیاگر* در انتشارات فرزانه روز تا سال ۱۳۸۷ به چاپ ۳۱ رسید؛ چ اول: اردیبهشت ۱۳۷۴، چ دوم: دی ماه ۱۳۷۴، چ سوم: اردیبهشت ۱۳۷۵، چ چهارم: آبان ۱۳۷۵، چ پنجم: بهمن ۱۳۷۵، چ ششم: اردیبهشت ۱۳۷۶، چ هفتم: مرداد ۱۳۷۶، چ هشتم: آبان ۱۳۷۶، چ نهم: ۱۳۷۷ ... چ ۳۱: ۱۳۸۷.

۴۲- حمید نگارش، همان.

۴۳- *گفت‌وگو با پائولو کوئلیو، روزنامه همشهری*، ۲۳ خرداد ۱۳۷۹.

۴۴- پائولو کوئلیو، *دیدار با فرشتگان*، ترجمه دل‌آرا قهرمان، ص ۲.

۴۵- ر.ک: پائولو کوئلیو، *عطیه برتر*، ترجمه آرش حجازی، ص ۵.

است که موجب گسترش بیشتر آثار او گردید.

۶. در ایران آثار کوئلیو اولین بار در سال ۱۳۷۴

توسط *دل‌آرا قهرمان* ترجمه شد و پس از او، ۲۸ ناشر و مترجم آثار او را ترجمه و وارد بازار کتاب کردند.

۷. سرعت نشر آثار او در ایران همانند سایر نقاط

جهان، بسیار بالا ارزیابی می‌شود.

۸. هرچند نمی‌توان گفت تمامی محتوای آثار او

یکسره باطل است، اما مطالب باطلی که در آثارش

وجود دارد - و کم هم نیست - در تعارض کامل با

مبانی دین اسلام قرار دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱- احمدحسین شریفی، *جنگ نرم*، ص ۱۰۲-۱۰۴.

۲- حامد حسینیان، «نقد و بررسی دین از نگاه پائولو کوئلیو»، *معرفت کلامی*، ش ۵، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۵۹-۱۸۷.

۳- حامد حسینیان، «نقد و مبانی خداشناسی و انسان‌شناختی پائولو کوئلیو»، *حکمت عرفانی*، ش ۱، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۳۳-۱۶۴.

۴- مترجمان آثار کوئلیو، نام خانوادگی او را به هر دو صورت نوشته‌اند.

۵- پائولو کوئلیو، *اعترافات یک سالک*، ترجمه دل‌آرا قهرمان، ص ۶۱.

۶- همان، ص ۵۵، ۶۱ و ۱۴۰.

۷- همان، ص ۱۴۱ و ۱۴۳.

۸- پائولو کوئلیو، *چون رود جاری باش*، ترجمه آرش حجازی، ص ۱۴ و ۱۵.

۹- همو، *اعترافات یک سالک*، ص ۱۲۷-۱۲۸ و ۱۳۲.

۱۰- همو، *چون رود جاری باش*، ص ۱۳-۲۲.

۱۱- محمدتقی فعالی، *نگرشی بر آراء و اندیشه‌های پائولو کوئلیو*، ص ۸۸.

۱۲- پائولو کوئلیو، *چون رود جاری باش*، ص ۲۲.

۱۳- نشریه *اپوکا* برزیل، ۲۹ آپریل ۲۰۰۰.

۱۴- پائولو کوئلیو، *اعترافات یک سالک*، ص ۲۰ و ۵۳.

۱۵- همان، ص ۲۰ و ۱۸۶.

16. www.paulocoelho.ir.

17. www.salamatiran.com

۱۸- شهاب شهرزاد، *زندگی و آثار پائولو کوئلیو*، ص ۷۰.

۱۹- شهلا ززلکی، *جاودگر سرزمین سامبا، بررسی و نقد آثار پائولو کوئلیو*، ص ۱۰۹.

- ۴۶- ر.ک: پائولو کوئلیو، *دومین مکتوب*، ترجمه آرش حجازی و بهرام جعفری، ص ۵.
- ۴۷- مصاحبه با آرش حجازی، *اپوکا*، ۶ خرداد ۱۳۷۹، هتل همای تهران.
- ۴۸- ر.ک: *روزنامه اعتماد*، ۱۷ فروردین ۱۳۸۴.
- ۴۹- نامه کوئلیو به خوانندگان در سایت شخصی اش.
- ۵۰- پائولو کوئلیو، *اعترافات یک سالک*، ص ۳۳ و ۳۴.
- ۵۱- همو، *کنار رودخانه پیدرا نشستم و گریستم*، ترجمه دل آرا قهرمان، ص ۶.
- ۵۲- شهاب شهرزاد، همان، ص ۴۰.
- ۵۳- احمدحسین شریفی، *درآمدی بر عرفان های حقیقی و عرفان های کاذب*، ص ۱۷۱.
- ۵۴- پائولو کوئلیو، *اعترافات یک سالک*، ص ۳۳.
- ۵۵- همو، *یازده دقیقه*، ترجمه آرش حجازی، ص ۱۱۰.
- ۵۶- همو، *زهیر*، ترجمه آرش حجازی، ص ۲۳۹ و ۲۴۰.
- ۵۷- ر.ک: پائولو کوئلیو، *والکیری ها*، ترجمه آرش حجازی و حسین شهبازی.
- ۵۸- پائولو کوئلیو، *ورونیکا تصمیم می گیرد بمیرد*، ترجمه آرش حجازی، ص ۱۶۵.
- ۵۹- همان، ص ۲۴ و ۷۵.
- ۶۰- همو، *شیطان و دوشیزه پریم*، ترجمه آرش حجازی، ص ۱۷۷.
- ۶۱- همان، ص ۱۴۹.
- ۶۲- همان، ص ۱۵۴.
- ۶۳- همو، *کوه پنجم*، ترجمه آرش حجازی، ص ۱۸۶.
- ۶۴- همان، ص ۴۰.
- ۶۵- همان، ص ۲۲۷.
- ۶۶- همان، ص ۲۳۹.
- ۶۷- همان، ص ۵۹، ۷۶ و ۱۸۶.
- ۶۸- همان، ص ۶۱.
- ۶۹- همان.
- ۷۰- همان.
- ۷۱- همان، ص ۱۵۰.
- ۷۲- همان، ص ۶۲، ۷۸ و ۸۶.
- ۷۳- همان، ص ۷۷.
- ۷۴- همان، ص ۹۷.
- ۷۵- پائولو کوئلیو، *دومین مکتوب*، ترجمه آرش حجازی و بهرام جعفری، ص ۹۹.
- ۷۶- همو، *ورونیکا تصمیم می گیرد بمیرد*، ص ۲۰۶-۲۰۷.
- ۷۷- همو، *ببریدا*، ترجمه آرش حجازی و بهرام جعفری، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.
- ۷۸- همان، ص ۲۰۳.
- ۷۹- همو، *یازده دقیقه*، ص ۲۴۴.
- ۸۰- همان، ص ۹۸، ۲۴۶-۲۴۷، ۲۵۵ و ۲۵۹.
- منابع
- زرنکی، شهلا، *جادوگر سرزمین سامبیا، بررسی و نقد آثار پائولو کوئلیو*، تهران، فرهنگ کاوش، ۱۳۸۰.
- شریفی، احمدحسین، *جنگ نرم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
- ، *درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب*، قم، صهبای یقین، ۱۳۸۷.
- شهرزاد، شهاب، *زندگی و آثار پائولو کوئلیو*، تهران، ندای دانش، ۱۳۷۹.
- فعالی، محمدتقی، *نگرشی بر آراء و اندیشه های پائولو کوئلیو*، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۸.
- کوئلیو، پائولو، *اعترافات یک سالک*، ترجمه دل آرا قهرمان، تهران، بهجت، ۱۳۷۹.
- ، *ببریدا*، ترجمه آرش حجازی و بهرام جعفری، تهران، کاروان، ۱۳۸۴.
- ، *چون رود جاری باش*، ترجمه آرش حجازی، چ ششم، تهران، کاروان، ۱۳۸۷.
- ، *دومین مکتوب*، ترجمه آرش حجازی و بهرام جعفری، چ دوازدهم، تهران، کاروان، ۱۳۸۷.
- ، *دیدار با فرشتگان*، ترجمه دل آرا قهرمان، تهران، میترا، ۱۳۷۶.
- ، *شیطان و دوشیزه پریم*، ترجمه آرش حجازی، تهران، کاروان، ۱۳۷۹.
- ، *عطیه برتر*، ترجمه آرش حجازی، چ پانزدهم، تهران، کاروان، ۱۳۸۷.
- ، *کنار رود پیدرا نشستم و گریستم*، ترجمه آرش حجازی، تهران، کاروان، ۱۳۸۳.
- ، *کوه پنجم*، ترجمه آرش حجازی، تهران، کاروان، ۱۳۸۱.
- ، *کیمیاگر*، ترجمه آرش حجازی، چاپ بیست و یکم، تهران، کاروان، ۱۳۸۳.
- ، *والکیری ها*، ترجمه آرش حجازی و حسین شهبازی، چ پنجم، تهران، کاروان، ۱۳۸۸.
- ، *ورونیکا تصمیم می گیرد بمیرد*، ترجمه آرش حجازی، چاپ بیست و چهارم، تهران، کاروان، ۱۳۸۳.
- ، *یازده دقیقه*، ترجمه آرش حجازی، تهران، کاروان، ۱۳۸۳.
- گفت و گو با آرش حجازی، *گزارش کتاب*، ش ۳۲، تیر ۱۳۷۹.
- نگارش، حمید، «رهبران تباهی»، *مربیان*، ش ۳۴، زمستان ۱۳۸۸.